

## سلاح تجربه در مبارزه

امیرفیض - حقوقدان

تحقیقی که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا اخیراً یعنی ۵ سپتامبر در رابطه با حمله نظامی آمریکا به عراق پس از ۶ سال منتشر ساخت واجد توجهاتی است که میتواند بعنوان سلاح تجربه به کار مبارزه ما علیه جمهوری اسلامی آید، به همین علت گفتگودر آن باره و استفاده از آن در مجرای مبارزه جواز تنظیم این تحریر گشت.

نکته قابل استفاده از گزارش مزبور آنجاست که در گزارش آمده است.

**بر اساس گزارش تازه منتشر شده اشتباه سازمان اطلاعاتی آمریکا در ارزیابی وضع سلاح  
کشتار جمعی عراق ناشی از نقطه ضعف های تحلیلی بوده است و به جای ارزیابی وضع کشور عراق؛  
ذهنیت موجود در واشنگتن را در نظر داشته اند**

### ضعف تحلی و ذهنیت موجود یعنی چه؟

ضعف تحلیل، ناشی از اطمینان و اتکای به گزارشات نادرست است که استفاده کننده از گزارش به احتمالات نادرستی، اشتباه، ایجاد انحراف و سوء نیت احتمالی گزارش توجهی ضعیف دارد که در نتیجه تحلیل و نتیجه گیری هم ضعیف میگردد.

ذهنیت موجود، ناشی از تلقین و شنیده هاست که سبب میگردد باور نادرستی بر روی حقیقت موضوع، در ذهن انسان رسوب کند و لاجرم تصمیماتی که اتخاذ میگردد بر اساس فرامینی از ذهن باشد که علیل است و وقتی زمان، رسوب آن باور نادرست را زائل ساخت انسان به ذهنیت نادرست خود پی میبرد.

انسانها بمناسبت حالت طبیعی، مستعد آگاهی یافتن هستند و بهمین دلیل براحتی در معرض تلقین و بیان دیگران قرار میگیرند و این آمادگی و شوق سبب میشود که فرصت تحقیق و یا تشکیک<sup>۱</sup> نسبت به موضوع تلقین و یا شنیده ها و یا تفهیم را لازم ندانند.

حالت بالا، در دولتها بنحوی بسیار شدیدی جاری است و دولت ها از مجرای کسب خبر و تحصیل اطلاعات است که امنیت سیاسی و اقتصادی کشورشان را تامین میکنند، بنابراین دولتها بمراتب بیشتر از افراد عادی در تحصیل اطلاعات بی تابی نشان میدهند و بی دقتی آنها در شناخت اصالت خبرها معمولاً بعد از استفاده از آن معلوم میگردد چنانکه جنگ عراق بعد از آغاز معلوم شد که اطلاعات رسیده به مراجع اطلاعاتی آمریکا از سوی عراقی های مخالف حکومت نادرست بوده است.

### مرز مبارزه سیاسی

مسئله مبارزه مخالفین حکومت و تلاش آنها برای براندازی فصلی را در مبارزه سیاسی میگذراند که رعایت آن واقعا دشوار است زیرا غالباً **سرنوشت دولتها با سرنوشت کشورها** چنان پیوستگی یافته است که مرز تشخیص آن و اینکه حکومت ساقط شود ولی کشور منهدم نگردد کاری حساس و تخصصی است و به همین جهت است که مبارزه سیاسی اگر فاقد رهبری و متخصصین باشد آسیبی که به کشور مردم و استقلال و تمامیت آن وارد میشود بمراتب بیشتر از صدمه ای است که به حکومت وارد میگردد و باز به همین دلیل است که نمیشود مبارزه را به حالت تخریبی در آورد و گفت هر که

<sup>۱</sup> - تشکیک [ت] [ع مص] به شک افکندن . (تاج المصادر بیهقی) (زوزنی) . در گمان افکندن کسی را . (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) (از اقرب... لغت نامه دهخدا- ح-ک)

هرطور که میدانند علیه جمهوری اسلامی مبارزه کند، زیرا هدف از مبارزه سقوط جمهوری اسلامی است نه ملت و استقلال و تمامیت ارضی کشور و اصل مهم در مبارزه همین است که مسیر مبارزه در جهت و کیفیتی حرکت کند که به ایران صدمه و لطمه ای وارد نشود.

«استقلال و تمامیت ارضی کشور، والاتراز هرگونه تضاد مسلکی و سیاسی است» (رضاشاه دوم)

### مثالی آورده شود دور از احتیاط نیست

وقتی عده ای نواب اهالی شهرویا افرادی را گروگان میگیرند تمام کوشش دولت و پلیس بر آن است که بدون صدمه زدن به افراد آنها آزاد شوند والا اگر این حساسیت در میان نباشد و این مرز حساس مورد توجه قرار نداشته باشد پلیس براحتی میتواند بایک اقدام نظامی گروگانگیران را از بین ببرد و چون گروگان هاهم در اختیار گروگانگیرندگان هستند البته که از بین خواهند رفت.

به چنین اقدامی، هیچ کس ارجی نمیدهد و بطور حتم پلیس را هم محکوم خواهند شناخت.

### واما بعد

تاریخ سی ساله مبارزه مایرانیان علیه جمهوری اسلامی نشان میدهد که مبارزه ایرانیان تازمان واقعه ۱۱ سپتامبر در مسیری قراردادی که سیاسی بود، یعنی مبارزه کاملاً متوجه جمهوری اسلامی و عدم مشروعیت آن بود و بهمین دلیل مبارزه هیچ تعرضی به ایران نداشت، در این راستا این برداشت هم جای اشاره دارد، که دولت‌های مخالف با جمهوری اسلامی هم قائل به تشخیص و احترام به مرزتهاجم به ایران با مخالفت بانظام حاکم بر ایران بودند، یعنی درست رعایت منشور سازمان ملل متحد.

یکی از مهمترین دستاوردهای نامطلوب واقعه ۱۱ سپتامبر ادعائی است که آمریکا آنرا بصورت حق از آن خود دانستند که حق دارند برای حفظ امنیت خودشان به کشورهای که امنیت آمریکا را تهدید کنند حمله نظامی کنند

و بموجب همین ادعا هم حمله نظامی به افغانستان را شروع کرد.

متعاقب حق راکه آقای بوش اعلام کرد تقریباً دو هفته بعد، آقای بوش و وزیر دفاع آمریکا ایران را متهم ساختند که به سران القاعده پناه داده است و حیرت آور اینکه ادعای آقای بوش باواژه «مطمئن هستم» همراه بود (مشروح در سنگر اول اسفند ماه ۱۳۸۰)

آنروزها که آقای بوش چنین ادعائی را در کلام مطمئن هستم مطرح کرد معلوم نبود که مبنا و ماخذ ادعای ایشان چیست ولی خیلی نگذشت که خبرگزاریها و از جمله کانال سوم تلویزیون فرانسه خبری را منتشر ساخت که سنگر هم خبر مزبور را همراه بحث مربوط به آن در سنگر اول اردیبهشت ۱۳۸۰ گذاشت.

خبر مزبور چنین بوده است:

حدود دو هفته قبل از اظهارات وزیر دفاع آمریکا در باب پناه دادن سران القاعده از سوی جمهوری اسلامی در ایران سازمان پارس و شورای براندازی آن در خبری که در کیهان لندن منتشر شد اعلام کرد که بن لادن در ایران است و نوشت:

طبق اطلاعات این سازمان، اسامه بن لادن و ۱۶ نفر از یاران او با حمایت حفاظت سپاه پاسداران به ایران رفته و پنهان شده اند. این سازمان اضافه کرده است که بن لادن و همراهانش توسط حفاظت سپاه پاسداران یک هفته قبل از سقوط کابل از مرز به مشهد انتقال داده میشوند و از آنجا توسط هواپیمای ۳۳۰ ارتش به فرودگاه مهرآباد برده و توسط حفاظت

رهبری به کاخ سعد اباد هدایت میشوند و بعد از توقف سه روزه در آنجا و بهره مند شدن از میهمان نوازی خامنه ای رهسپار قم شده و اکنون در جای امنی تحت حفاظت میباشند» (کیهان لندن شماره ۸۹۰)

بعد از انتشار خبر سازمان پارس بوسیله کیهان لندن، روزنامه آزادگان هم خبر را با عبارت دیگری منتشر ساخت که نشان از تواتر اخبار و قرینه است بر اصالت خبر. در همین جریان تلویزیون دولتی کانال سوم فرانسه نیز خبر مزبور را منتشر ساخت و مدارک موجود نشان نمیدهد که خبر تلویزیون فرانسه قبل و یا بعد از کیهان لندن بوده است متن خبر تلویزیون فرانسه چنین است:

«کریستین مولار رئیس سرویس سیاسی تلویزیون مزبور گفت: «من بعنوان سردبیر بخش سیاست خارجی تلویزیون دولتی فرانسه فاش ساختم که اسامه بن لادن در اوائل ماه نوامبر گذشته افغانستان را ترک کرده و درست قبل از سقوط کابل بسوی ایران رفته است و بوسیله آیت الله ها نزدیک به خامنه ای و رفسنجانی یاری داده شده و وی بلافاصله بتهران منتقل شده است. این ماجرا دو ماه و نیم قبل روی داده و از هنگامیکه اسامه بن لادن وارد ایران شده تاکنون سه بار محل اقامت او را تغییر داده اند تعداد همراهان او ۱۷ نفر است و فعلا در ناحیه ای کوهستانی در دامنه البرز در شمال غربی تهران است»

وقتی از کریستین مولار پرسیده شد که منابع خبری ایشان آیاموثق است ایشان گفت:

«اینها منابعی هستند که هیچ ارتباطی با جنبشهای اپوزیسیون اعم از سلطنت طلب و یامجاهدین خلق ندارند بلکه منابعی هستند در داخل ایران که مواضع حساس و جالبی دارند و میدانند که در کشور چه میگذرد»

روزنامه عصر امروز لوس آنجلس

مقصود کریستین مولار سازمان پارس، بود که اولاً با مجاهدین خلق نبود و ثانياً سلطنت طلب هم نبود و شعار «جمهوری مشروطه» را داشت و از آن مهتر آن روزها کنگره و مصاحبه های فراوانی هم داشت و مدیر آن هم آقای دکتر آرمان نوری بود که مجله ای هم بنام پارس منتشر میساخت، مختصر سابقه سیاسی ایشان هم چنین بود که تا سال ۱۳۶۱ در خدمت دولت جمهوری اسلامی بود و بعد به اروپا آمد با آریانا همکاری داشت و سپس به او ایسی پیوست و بعد هم به بختیار و دست آخر خودش، خودش را در مقام رهبری سازمانی بنام پارس با خواسته جمهوری مشروطه قرارداد.

خبر سازمان پارس از آن جهت قابل اهمیت بود که آقای بوش پس از پیاده کردن قوا در افغانستان و جستجو برای تسلیم بن لادن اظهار داشت «اگر کشوری به سران القاعده پناه بدهد براو همان خواهد رفت که بر افغانستان خواهد رفت»

تخصیص جایزه ۲۵ میلیون دلاری برای کسب اطلاعاتی که منجر به دستگیری بن لادن بشود از طرف دولت آمریکا اهمیت خبر سازمان پارس را برای آمریکا روشن میسازد.

خبر سازمان پارس در جو آن زمان که آمریکا منتظر بهانه ای بود جمهوری اسلامی را لرزاند تا جایی که کمال خرازی با اصطلاح وزیر خارجه جمهوری اسلامی فوراً اعلام کرد که آمریکا باید دلائلی که بن لادن در ایران است به دولت ایران ارائه بدهد.

آمریکا به این اعلام کمال خرازی اعتنایی نکرد کما اینکه حکومت طالبان هم در مورد ادعای آمریکا به اینکه بن لادن در افغانستان است مطالبه دلیل از آمریکا کرد، اعتنایی ننمود.

دلیل آمریکا برای اینکه بن لادن و همراهان او در ایران هستند همان اطلاعاتی است که سازمان پارس و آزادگان و تلویزیون دولتی فرانسه مختصر آنرا اعلام کرده اند که بطور حتم مفصل آن مستقیماً برای تسلط بر جایزه ۲۵،۰۰۰،۰۰۰ دلاری قبل از انتشار در جراند، در اختیار سازمان اطلاعات آمریکا قرار گرفته بوده است.

اگر آمریکا به خبر سازمان پارس ارج اطلاعاتی میداد و تهران و یاقم را بشدت میکوبید با توجه به جو زمان که مسئله تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان با تصویب شورای امنیت آغاز شد چه اعتراض موجهی متوجه آمریکا میبود و پس از وارد

ساختن خسارات غیرقابل پیش بینی و سوء استفاده تجزیه طلبان و گردنکشان، ایران به جنگهای داخلی کشیده میشد و چون اصل خبرنگارست بوده و بن لادن هم در ایران نبوده (درست مانند عراق که سلاح های اتمی نداشت) آمریکا هم متمسک به ضعف تحلیل و ذهنیت ناشی از اطلاعات نادرست میگردد، چنانکه در عراق به همان ها تمسک کرد، آیا دشوار است که آنچه بر افغانستان رفته است در تصویر ذهنی خودمان برای کشورمان مجسم کنیم؟

### تجربه اندوزی اینجاست

این ماجرای بسیارشوم که از سرکشورما اتفاقی گذاشت یک تجربه اساسی و جدی برای مبارزه ماست تا در اقداماتی که علیه جمهوری اسلامی میشود، مبارزه سیاسی به مبارزه علیه استقلال و تمامیت ارضی و از بین رفتن ملت ایران کشیده نشود، دنیای امروز متأسفانه دنیای تهاجم و برقراری سلطه است و از کوچکترین موقعیت ها و کمترین نادانی ها و یاهمراهی ها استفاده هائی میکند که عراق نمونه آن است.